

عید قربان بار دیگر از راه می‌رسد، درحالی‌که امت اسلامی همچنان از سر تا پا در خون غرق است؛ از غزه و سایر سرزمین‌های مبارک تا هند و کشمیر، از سودان و میانمار و ترکستان شرقی تا ازبکستان؛ در هر ذره‌ای از این جهان ستمگر، چه حکام و چه مردمش همه در ظلم و ستم شریک‌اند، زیر فشار این بی‌عدالتی و شکنجه‌ها و در میان این مصائب و بلاها، عید خود را با این فریاد درونی استقبال می‌کنیم: «ای عید، تو با چه حالی بر ما بازگشتی؟!»، باین‌حال، عید قربان بخشی از شعائر عظیم اسلامی است؛ پس ای مسلمانان، این عید را فرصتی بدانید برای خشنودی پروردگارتان و یاری دین و خانواده خود به‌عمل صادقانه، همراه با حزب‌التحریر تا دومین خلافت راشده را بر منتهج نبوت برپا کنید.



در این شماره می‌خوانید:

کند طلایی و تهدیدهای آن برای امنیت جهانی... ۲

مساعده‌های اروپایی به مصر، اسارت بیشتر به غرب و خیانت به مصر و امت است... ۲
نظام کفالت در پادشاهی‌های خلیج، شقاقی بر سر کردن مسلمانان است... ۲

اهداف کنترل گذرگاه‌های آبی در دریای سرخ... ۴

چرا این اصرار بر صف‌آرایی در کنار مجرم است؟... ۴

چهارشنبه ۸ ذی الحجه ۱۴۴۶ هـ، ۴ جون ۲۰۲۵ م، ۱۴ خرداد ۱۴۰۴ ش

مقاله برگزیده

اظهارات سیاسی و تحلیل سیاسی

استاد احمد الخطوانی

اظهارات سیاسی، ماده اصلی (خوراک اصلی) سیاستمداران در فرایند تحلیل سیاسی هستند و بخشی اساسی از پیگیری اخبار لازم برای تحلیل‌اند. اخبار به‌طورکلی زیربنای تفکر سیاسی است؛ در واقع اخبار «نار روزانه» سیاستمداران محسوب می‌شود. بدون اخبار، سیاست قابل‌فهم نیست. تحلیل سیاسی شکل نمی‌گیرد، رویدادها قابل‌تمییز نخواهند بود و اهداف واقعی آن‌ها شناخته نمی‌شود. اقت اسلامی بارها از انحراف در فهم اظهارات سیاسی آسیب‌دیده است؛ به‌گونه‌ای که سرزمین‌های وسیعی را به‌خطر سو‌فهم چنین اظهارات زدست‌داده است. به‌عنوان مثال، خلافت عثمانی منطقه بالکان را نه به‌واسطه ضعف نظامی، بلکه به‌دلیل اظهارات سیاسی شیطنت‌آمیز و فریبنده از دست داد؛ یعنی بریتانیا و متحدان اروپایی‌اش مشکل بالکان را از هیچ ایجاد کردند و مرصفاً از راه اظهارات، اروپایی‌ها به عثمانی‌ها وانمود کردند که در کشورهای بالکان، قیام‌های مردمی گسترده‌ای علیه سلطه آنها در جریان است که خواستار استقلال و جدایی هستند؛ درحالی‌که آن اظهارات هیچ پیش‌بینیه واقعی روی زمین نداشتند و نه قیامی رخ داده بود و نه حتی درواست جدایی؛ اما تکرار مکرر این ادعاها، عثمانی‌ها را فریب داد و بر این اساس عمل کردند. نتیجه آن شد که خلافت دچار خسرتی و فرسودگی گردید و اندکی پس‌ازآن، جنبش‌های ملی‌گرا در عمل پراکنده شدند و سراسر منطقه را فراگرفتند؛ به‌گونه‌ای که تا قلب قلمرو عثمانی پیش رفتند و در نهایت منجر به جدایی کامل بالکان از عثمانی شد و سپس خود خلافت عثمانی را ساقط کرد. برای آنکه اهمیت اظهارات سیاسی در تحلیل سیاسی را درک کنیم، ابتدا باید مؤلفه‌های تحلیل سیاسی را بدانیم؛ این مؤلفه‌ها پنج‌گانه هستند:

۱- تحلیل‌گر سیاسی ابتدا باید وقایع و رویدادهای رخ داده در همه کشورهای جهان را رصد کند، اخبار مربوطه را جمع‌آوری نماید و آن‌ها را بر اساس اهمیت و عدم اهمیت و بر اساس تصادفی یا عمدی بودن دسته‌بندی کند. با تکرار چنین پیگیری و تمرین و گذشت زمان، این رصد تخصصی می‌شود و تحلیل‌گر می‌تواند آنچه را مهم‌تر و هدفمندتر است دل‌آهسته اخبار بیرون بکشد.

۲- تحلیل‌گر نیازمند معلومات اولیه پیشین درباره ماهیت وقایع، حوادث، مکان‌ها، افراد و اظهارات است؛ مانند معلومات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی و فکری تا بتواند با دقت و ژرفای کافی، آن وقایع، حوادث و اخبار را درک کند.

۳- تحلیل‌گر در حین صدور قضاوت‌های سیاسی باید به دو نکته توأم با هم و جدایی‌ناپذیر پایبند باشد: الف) جداسازی وقایع از شرایط و زمینه‌ها و وابستگی‌های آن‌ها منعوق است؛ زیرا اگر وقایع را از زمینه خود جدا کنیم، ارزش‌شان را از دست می‌دهند و از واقعیت دور می‌افتند.

ب) تعمیم‌دهی و قیاس مطلق ممنوع است؛ چون تعمیم و قیاس مطلق در سیاست جایی ندارد، بلکه آفت سیاستمداران است و از مهم‌ترین علت‌های ناکامی در تحلیل سیاسی محسوب می‌شود.

۴- تحلیل‌گر باید اخبار و حوادث را دقیقاً مستش و دسته‌بندی کند، ابتدا از طریق شناخت منابع موثق، دوم با بررسی زمان وقوع، سوم با جست‌وجوی چارچوب و شرایط زمانی در آن هنگام، چهارم با شناسایی قصد و نیت از وقوع در آن لحظه و پنجم با توجه به واکنش فوری سایر بازیگران مرتبط.

۵- تحلیل‌گر باید رویداد یا خبر را با اطلاعات قبلی موجود درباره آن پیوند دهد، سپس آن را با قواعد پیونددهنده مرتبط با اخبار مشابه و متفاوت مرتبط سازد و در پایان قضاوتی ارائه دهد که گمان می‌رود به‌واقع نزدیک‌تر و سازگارتر با آن وضعیت باشد.

ادامه صفحه ۳

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید

عوامل مؤثر بر شتاب‌دادن آمریکا به حضور در آسیای مرکزی

استاد عبد العزیز الاوزیک



عوامل مؤثر بر شتاب‌دادن آمریکا به حضور در آسیای مرکزی:

مسکو و پکن بر سر سرسیم خود در استخراج و تأمین منابع معدنی نادر از آن منطقه رقابت کنند. منطقه آسیای مرکزی به‌دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش علاقه‌مند است، زیرا ذخایر اورگانی برای تأمین از اهمیت راهبردی برخوردار است. این منطقه نیازهایش کفایت نمی‌کند. این نکته در نشریه ذخایر عظیمی از منابع طبیعی دارد، به‌ویژه اینکه «National Interest» با آنکه به یک مقاله تحلیلی قابل‌توجه است. بر اساس قابل‌توجه نفت، گاز و زغال‌سنگ هستند. علاوه بر این، آسیای مرکزی ذخایر از عناصر خاک‌های کمیاب و سایر فلزات راهبردی را در خود جای‌داده است. برای به‌دست آوردن عناصر معدنی نادر است که برای منابع و بخش‌های فناوری بالا حیاتی محسوب می‌شوند. مقاله می‌گوید: «توافقی درباره منابع گزاری‌هایی که مرکز سیاست‌های دریای خزر و مرکز بین‌المللی مالیات و سرمایه‌گذاری منتشر کرده‌اند، بخش عمده‌ای از ذخایر فلزات خاک‌های ۲۲ مورد از ۵۰ ماده مهم برای آمریکا را در اختیار دارد. آمریکا باید گزینه‌های تولید اضافی را بررسی کند و آسیای مرکزی می‌تواند یکی از این گزینه‌ها باشد». روابطش با کشورهای آسیای مرکزی اتخاذ کرده بر اساس این گزارش، چین همچنان انحصار جهانی است. در چهارم فروردین ۱۴۰۴ (۴ آوریل ۲۰۲۵) در شهر سمرقند در ازبکستان، نخستین اجلاس منابع جایگزین است و آسیای مرکزی را منطقه‌ای با بین‌رهمیان پنج کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قزاقستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و ازبکستان) و بخش زیادی از ذخایر عناصر معدنی نادر جهان در آنجا متمرکز است. از آنجا که آمریکا آمید دارد دسترسی بین‌اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی را به «همکاری خود به این عناصر را افزایش دهد، برقراری روابط راهبردی» از رخ داد و حوزه‌های مهم همکاری را نزدیک‌تر با کشورهای آسیای مرکزی اهمیت زیادی تعیین کرد. اتحادیه اروپا بسته سرمایه‌گذاری دارد. مقاله می‌افزاید: «کشورهای آسیای مرکزی در دوازده میلیارد یورویی را برای بهبود روابط آسیای حوزه منافع مشترک روسیه و چین قرار دارند که مرکزی و اروپا و توسعه منابع معدنی اصلی ارائه ممکن است برنامه‌های واشنگتن برای دستیابی به منابع استراتژیک در آن منطقه را پیچیده کند» به نظر نختنها روسیه و چین را شگفت‌زده کرد بلکه آمریکا نظر نشریه «National Interest» و واشنگتن باید با را نیز غافلگیر ساخت.

۱۹ ماه مه ۲۰۲۵، محاکمه ۳۳ عضو حزب‌التحریر که حدود هشت ماه طول کشیده بود، به پایان رسید. بر اساس حکم دادگاه: موسیف شکرالله به ۱۷ سال زندان در «نظام ویژه» محکوم شد. سلیم‌اف دیشود به ۱۶ سال زندان در «نظام ویژه» محکوم شد. برای ۲۰ نفر، حکم ۱۲ سال زندان در «نظام ویژه» صادر شد. هشت نفر دیگر به حبس بین ۸ تا ۱۰ سال محکوم شدند که چهار نفر در «نظام ویژه» و چهار نفر در «نظام تشدید شده» باید تحمل حبس کنند. سه نفر باقی‌مانده نیز به حبس بین ۴ تا ۵ سال و «باقامت اجباری در منزل» محکوم شدند.

طبق بیانیه مطبوعاتی دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر در ازبکستان، پس از صدور حکم، قاضی با شتاب از جلسه دادگاه خارج شد، درحالی‌که علیه او دعا می‌کردند و این در حالی بود که برخلاف ماکلمات قبلی، این محاکمه تعداد زیادی از کارکنان سازمان امنیت دولتی، نیروهای مبارزه با تروریسم و نیروهای نظامی در جلسه حضور داشتند. بر پایان بیانیه آمده است: امروز فرصتی پیش روی نظام ازبکستان و نهادهای امنیتی آن است برای متوقف‌کردن ظلمی که انجام می‌دهند، اما فردا دیر خواهد بود، زیرا سیده پیروزی و کامیابی که الله سبحانه‌وتعالی وعده داده، بخزودی خواهد درخشید و وای بر کسانی که خود را از ذلت دنیا و عذاب آخرت نجات ندهند.

ادامه صفحه ۳

۳۳ تن از جوانان حزب‌التحریر به احکام سنگینی در ازبکستان محکوم شدند

قراردادهای مجلس اروپا درباره استعمار جدید

مجلس اتحادیه اروپا اخیراً از تانزانیا خواست گام‌های متعددی بردارد، از جمله حل آنچه «پرونده‌ای با انگیزه‌های سیاسی» علیه رهبر یک حزب مخالف خواند و اعطای آزادی سیاسی بیشتر از طریق گفت‌وگو و انجام اصلاحاتی در قوانین انتخابات و احترام به حق احزاب در شرکت در انتخابات آزاد.

علاوه بر این، اتحادیه اروپا از طریق مجلس خود از تانزانیا خواست دست از آزار و اذیت سیاستمداران منتقد و مدافعان حقوق انسان و هواداران هم‌جنس‌گرایان و روزنامه‌نگاران و سازمان‌های جامعه مدنی و دیگران بردارد.

بر اساس این تصمیم، نماینده مطبوعاتی حزب‌التحریر در تانزانیا، جناب استاد مسعود مسلم، در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت:

۱- تصمیم‌های اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی بر رویکرد «استعمار جدید» نسبت به کشورهای درحال‌توسعه، از جمله تانزانیا، همچنان اصرار دارند. با وجود آن‌که آن‌ها دارای گذشته استعماری سباهی هستند که خسارات فراوانی بر جای گذاشت، هنوز برخی کشورهای اتحادیه اروپا درصدد مداخله در امور کشورهای درحال‌توسعه از طریق درج مسائل آن‌ها در دستور کار جلسات خود و دادن دستورالعمل به آن کشورها هستند. چه زمانی مجلس کشورهای درحال‌توسعه تشکیل شد و تصمیم و دستور به کشور خود داد؟ ۲- اما در خصوص دعوت اتحادیه اروپا به «آزادی سیاسی، انتخابات آزاد، اصلاحات انتخاباتی و توقف آزار و اذیت مخالفان»، حزب‌التحریر در تانزانیا، هرچند با نظام سیاسی دموکراتیک فاسد موافق نیست، اما به دالایل انسانی، آزار و اذیت هر فردی، چه سیاستمدار باشد و چه شهروند عادی را مردود می‌شمارد. باین‌حال، باید برای اتحادیه اروپا روشن باشد که آزار و اذیت مخالفان و فریب و تقلب و سرکوب و اشل‌ال آن در نظام دموکراتیک ریشه دارد و اتحادیه اروپا در آن سهم دارد و پرچم‌دارش است و آن را بر کشورهای درحال‌توسعه تحمیل می‌کند. چگونه این نظام مبتنی بر منافع می‌تواند عدالت و برابری و حقوق را محقق کند درحالی‌که جز مصلحت چیزی را نمی‌بیند؟

۳- اما در مورد دعوت آن‌ها به حمایت از هم‌جنس‌بازی و هم‌جنس‌گرایان، این شانه وینکستونکی نظام دموکراتیک آن‌ها از دو جنبه است: نخست این‌که با فطرت انسانی در تناقض است. دوم این‌که انسان‌ها را عرصه تجربه‌های اخلاقی می‌کند؛ به‌طوری‌که در ابتدا با اعمال هم‌جنس‌بازی و هم‌جنس‌گرایان مخالفت می‌کردند، اما اکنون آن را حمایت و تبلیغ می‌کنند. علاوه بر این، مخالفت با این فاحشه در آفریقا و دیگر مناطق، شانه نپذیرفتن نظام دموکراتیک آن‌هاست، زیرا از پایه‌های این نظام «آزادی فردی» است که به چنین اعمالی دامن می‌زند.

۴- از اتحادیه اروپا می‌پرسیم: آیا انسانیت‌شان برای مسئله تانزانیا بیشتر اهمیت داشت تا نسل‌کشی در غزه؟ چه کسی می‌داند که کشورهای آن‌ها انواع حمایت‌های مادی و سیاسی و دیپلماتیک را به رژیم میونیستی ارائه می‌دهند تا این نسل‌کشی را تسهیل کنند؟ چه نوع انسانیتی در اتحادیه اروپا وجود دارد جز یزکاری و دوگانگی؟

استاد مسعود مسلم بیانیه مطبوعاتی خود را با این سخن به پایان برد: باید فهمید که اصل اتحادیه اروپا سرمایه‌داری است، یعنی نظامی استعمارگر و استعماری و مقوم سیستم دموکراسی‌شان است. نظام محض است و از طریق این دروغ (دموکراسی) حاضران در هرکسی که منافع‌شان را تضمین کند حمایت نمایند، چه انسانی باشد، چه عادل و چه به آنچه «حقوق بشر» نامیده می‌شود پایبند باشد یا نباشد. کافی است هر آدم خردمندی از نظام دموکراتیک دوری کند و به‌نظام اسلامی روی آورد که عدالت و انصاف را برای همه بدون در نظر گرفتن دین یا نژاد یا موقعیت جغرافیایی آن‌ها محقق می‌سازد.

گنبد طلایی و تهدیدهای آن برای امنیت جهانی

استاد اسعد منصور



گنبد طلایی را به‌عنوان یک منظومه دفاع موشکی زمینی، دریایی و فضایی معرفی کرده‌اند که بر اساس ماهواره‌هایی با حس‌گرها و فناوری‌های پیشرفته کار می‌کند تا تهدیدها را شناسایی کند. به‌منظر قریب‌بین نام آن را برای تمایز با «گنبد آهنین» رژیم میهنیستی انتخاب کرده‌اند. گنبد آهنینی که بارها در رهگیری موشک‌های شلیک‌شده از غزه یا دیگر مناطق ناکام مانده است.

رئیس‌جمهور آمریکا، ترامپ، در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۲۰ آن را اعلام کرد و آن را «جهش تاریخی و بسیار پیشرفته در حوزه دفاع از کشورش» دانست که «قادر است موشک‌ها را حتی اگر از سوری دیگر یا از فضا شلیک شوند رهگیری کند» و پیش‌بینی کرد که «قبل از پایان سال ۲۰۲۹»، این سامانه «به‌طور کامل آماده بهره‌برداری خواهد بود». هدف از آن مقابله با «تهدیدهای موشک‌های پیشرفته همچون ماهو و صوت و بالستیک و کروز، چه متعارف و چه مستعد است، چنان‌که وزیر دفاعش، هایگست، اعلام کرد. ژنرال مایکل گیتلین که ترامپ مأمور توسعه این پروژه کرده است، آن را «ضروری برای مقابله با موشک‌های پیشرفته چین و روسیه و نیز مقابله با ماهواره‌هایی دانست که می‌توانند به یکدیگر برخورد کنند یا حملات سایبری انجام دهند». وی افزود که این سامانه مستلزم ترکیب موشک‌های «ایزوبوت» زمینی و موشک‌های «استاندارد» شلیک‌شده از کشتی‌ها و همچنین ماهواره‌هایی با حس‌گرها و سلاح‌های جدید مستقر در فضا است. گفته او، این اقدام «توان بازدارندگی در برابر حملات هسته‌ای و دیگر تهدیدها به آمریکا را تقویت خواهد کرد».

کنگره آمریکا هزینه این پروژه را در طول بیست سال حدود ۵۴۲ میلیارد دلار برآورد کرده است. این مبلغ تقریباً برابر با یک ششم از ۳۵ تا ۴۰ تریلیون دالری است که «چین سلمان»، ترامپ فطر» و «حاکم امارات» قرار است به ترامپ بدهند. اگر این حکام عقل و ذراي از صداقت داشتند، می‌توانستند در کشورهای خود بزرگ‌ترین انتقاد صنعتی و فناوری را رقم بزنند و بهترین‌ترین سامانه‌های موشکی را خودشان بسازند، بجای اینکه آن مبلغ را را بایگن به آمریکا اعطا کنند و سپس صدها میلیارد برای خرید تسلیحات هزینه کنند که فقط علیه آنان خودشان به‌کار می‌رود و همواره برای تعمیر، تأمین قطعات یدکی و مهیات به آن وابسته می‌مانند و مگر اینکه با اجازه آمریکا از آن‌ها استفاده کنند؛ حتی اگر پولش را هم پرداخت کنند. مالکیت کامل تسلیحات برایشان نمی‌شود.

چین و روسیه پیش از اعلام رسمی این پروژه، آن را مورد انتقاد قراردادند. در بیانیه مشترکی که در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۸ صادر کردند، گفتند: «ما با بازیگری برای جلوگیری از گسیل تسلیحات به فضا آغاز خواهیم کرد و سیاست‌ها و فعالیت‌هایی را که به‌دین ایجاد برتری نظامی و تبدیل فضا به میدان نبرد هستند، مقابله خواهیم کرد». سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: «آمریکا در به‌دست آوردن اهمیت مطلق برای خود سواست دارد و این سامانه تهاجمی بسیار خطرناک، اصل استفاده صلح‌آمیز از فضا را نقض می‌کند و به تبدیل فضا به عرصه مبارزه دائم می‌زند و به راه‌اندازی مسابقه تسلیحاتی منجر می‌شود و نظام امنیت بین‌الملل و تلاش‌های برای کاهش تنش‌ها را تضعیف می‌کند». روسیه نیز این پروژه را «شبه جنگ ستارگان» توصیف کرد.

برخی کارشناسان، این سامانه را «پرهزینه» و تا حد زیادی «غیرکارآمد» دانستند. باین‌حال، کارشناسان نظامی معتقدند که این سامانه برای گسترش توان دفاع موشکی آمریکا در برابر تهدید از سوری چند کشور، به‌ویژه روسیه که در حال بهره‌برداری از سامانه موشک‌های قاره‌پیمای خود و موشک‌های دقیق پیشرفته است و چین که در تلاش است فاصله خود را با آمریکا در فناوری موشک‌های پیشرفته کاهش دهد، ضروری است.

افزود که آمریکا از تجربه به‌کارگیری سامانه‌های دفاعی خود علیه موشک‌ها و پهپادهای روسی در جنگ اوکراین و نیز در مقابله با موشک‌ها و پهپادهای جولی‌ها از یمن و موشک‌ها و پهپادهای ایران که علیه رژیم میهنیستی شلیک شدند بهره‌مند شده است.

پس آمریکا معتقد است کشورهای ماند روسیه و چین در مدد آن اقدام به تقویت موشک‌ها و فناوری‌های نظامی به‌دست‌برده می‌آورند و تهدید برای آن باشند و شکاف گسترده کنونی را که قدرت آن‌ها را پشت سر کشورهای ده‌گانه بعد از خود (در رده جهانی) قرار داده، کاهش دهند؛ به‌نوعی که این کشورها

قیلاً قدرت ترکیبی خود را در رتبه‌های بالاتر از مجموع روسیه و چین و فرانسه و دیگران قرار داده بودند. آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا هشدار داد که چین ممکن است ظرف ده سال آینده ده‌ها موشک مداری مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای را در چارچوب سیستم موسوم به «بمباران مداری جزئی» در اختیار داشته باشد. این موشک‌ها می‌توانند از فضا آمریکا را خیلی سریع‌تر از هر موشک متعارف مورد اصابت قرار دهند. چنین موشکی ابتدا وارد مدار کم‌ارتفاع می‌شود و سپس به سمت هدف بازمی‌گردد و می‌تواند از فراز قطب جنوب عبور کند تا سامانه‌های هشدار و دفاع موشکی را دور بزند و مسیری غیرمنتظره برای آن ایجاد کند که تمامی سامانه‌های دفاعی موجود را مختل سازد. این آژانس می‌گوید چنین ممکن است تا سال ۲۰۳۵ حدود ۶۰ موشک مداری از این نوع داشته باشد و روسیه ۱۲ موشک از همین مدل. به همین دلیل آمریکا برای مقابله با این تهدیدات آینده، اقدام به توسعه «گنبد طلایی» کرده است.

آمریکا نمی‌خواهد هیچ کشور دیگر به قدرت نظامی آن برسد یا در حد آن قرار گیرد و با آن را تهدید کند؛ چراکه برای تحویل سیاست‌ها و وادار کردن کشورها به اجرای آن‌ها، باید آن‌ها را ترسانند و تهدید کند. این امر نیازمند وجود یک نیروی نظامی هولناک است تا دیگری نتوان مقابله با آن را نداشته باشد تا دیگران را مرعوب و مطیع کند و بدین‌سان آمریکا صاحب تصمیم جهانی باقی بماند و هر کشوری را می‌تواند با استفاده از این قدرت باج‌خواهی کند و قوت‌های جهانی را غارت نماید. مردم جهان اکنون از آمریکا روی‌گردان شده‌اند، نه آن را می‌خواهند و نه به حرف‌ها و پروژه‌ها و شعارهایش همچون دموکراسی، آزادی و حقوق بشر گوش می‌دهند، زیرا دریافته‌اند که این شعارها دروغین و فریبکارانه‌اند و به‌منزله ابزارهای استعمارگر هستند. به همین دلیل، ترامپ و دولت‌ش دیگر این شعارهای رایج را مطرح نمی‌کنند. در نتیجه، تنها راهی که برای آمریکا باقی‌مانده تا بر تسلط جهانی تکیه کند، داشتن یک نیروی نظامی پیشرفته و بی‌همدست که هیچ کشوری برابرش نباشد و با تهدید به به‌کارگیری آن علیه هرکسی که سر به طغیان بردارد یا مقابله کند، سلطه خود را حفظ نماید.

چین تلاش می‌کند بدون ورود به رقابت مستقیم با آمریکا و بدون برخورد با آن، به سطح توانمندی‌های آمریکا برسد. چین می‌بند که آمریکا با این شیوه در آن تهدید می‌کند و او را وادار به ورود در رقابتی برای توسعه چنین سلاحی می‌سازد. درحالی‌که خودش (چین) به‌آرامی و بی‌سرودا در حال پیشرفت و توسعه تسلیحات خود است. ادامه چنین رقابتی ممکن است به اقتصاد چین لطمه زند. چراکه منابع عظیمی را می‌طلبد. این امر مشابه اتفاقی بود که دهه ۱۳۶۰ شمسی (دهه ۱۹۸۰ میلادی) رخ داد؛ زمانی که آمریکا اعلام کرد درحالتوسعه موشک‌های خود که بتوان از فضا شلیک‌کنان کند، امری که به «جنگ ستارگان» معروف شد و این اعلام باعث شد اتحاد جماهیر شوروی وارد این رقابت شود تا با آمریکا برابر شود. ولی اقتصادش را از آن باخت و هرگز نتوانست آن موشک‌ها را بسازد. ممکن است خود فضای چین و ماهواره‌هایش نیز در معرض خطر قرار گیرند اگر آمریکا بر توسعه این فناوری غلبه کند و آن را به یک سلاح هجومی تبدیل سازد. در این صورت، چین مجبور می‌شود از «مزه‌های فضایی» خود دفاع کند، چراکه میدان نبرد از محدوده دریایی نزدیک به چین، مانند اقیانوس آرام یا ناحیه خاکی مجاور هند، به فضای بالای کشور منتقل می‌شود. روسیه نیز از چنین احتمالی بیم دارد؛ ازاین‌رو بود که هرود کشور در بیانیه خود به این نکته اشاره کردند.

به‌این ترتیب، کشورهای درحال توسعه سلاح‌های خود در سطحی هستند که می‌تواند برای آمریکا تهدید ایجاد کند و این امر برای جایگاه آمریکا به‌عنوان قدرت اول جهان تأثیر می‌گذارد. این عامل دیگری است برای کاستن آن سلطه و غرور آمریکا و زمینه‌ساز بازگشت به دنیای «قطبیتی»، جایی که قدرت‌های متخاصم نتوانند آمریکا را در هر کاری مطلقاً مطیع سازند. آن قدرت‌های رقیب در برابر آمریکا می‌ایستند اگر بخواهد کشورهای دیگر را تهدید کند و در نتیجه فرصت بیشتری برای مرهانی فراهم می‌شود که می‌خواهند از چنگال آمریکا رهایی یابند و راه خود را بر اساس اندیشه‌ی خویش انتخاب کنند. امت اسلامی نیز در موقعیتی قرار دارد که مستعد آزادی است و افرادی مخلص در آن هستند که برای این هدف تلاش می‌کنند. آن‌ها معتقدند راه رستگاری از طریق «دولت خلافت» می‌گذرد و معتقدند این دولت توانمندی نظامی‌اش را توسعه خواهد داد تا به برابر آن قدرت‌های شرونی بایستد و پیام خیر را به جهان برساند.

مساعده‌های اروپایی به مصر، اسارت بیشتر به غرب و خیانت به مصر و امت است

استاد محمود اللیثی

پس کدام نظامی این‌گونه است که از شرق و غرب قرض می‌گیرد و زمین‌ها را می‌فروشد و قرض می‌کند تا قرض قبلی را بپردازد؟ آیا این خود همان ورشکستگی نیست؟ مگر اهل‌بانه نیست که همچنان باور کنیم «راحل در قرض‌های بیشتر ربوی و شرایط استعمارگران است»؟

راحل واقعی بحران‌های مصر و امت، جز قطع وابستگی به استعمارگران و آزادسازی اراده سیاسی و اقتصادی و اجرای کامل اسلام در حکومت و سیاست و اقتصاد نیست.

دولت خلافت راشده بر منج نبوت، تنها نهادی است که ریشه ربا را می‌خشکاند و دخالت کافر این گامی که رسانده از آن به‌عنوان «نجات اقتصادی» و «حمایت بین‌المللی» یاد می‌کنند، در حقیقت محتای تکراری از اسارت و تبعیت سیاسی و اقتصادی رژیم مصر را نشان می‌دهد. نعت‌ها در برابر صندوق بین‌المللی پول، بلکه در برابر تمام قدرت‌های استعماری غرب، به‌ویژه اروپا و آمریکا، نامیدن این وام به «کمک مالی» تعریف حقیقت و آرایش‌دهی تلخ واقعیت است؛ چون این وام از پول مردم بازپرداخت می‌شود، با بهره و شرایط ذلت‌آور و دخالتی آشکار در حاکمیت کشور اگر چیزی از حاکمیت باقی‌مانده باشد، ایجاد می‌کند و مؤسسات استعماری در سیاست‌های مالی و اقتصادی غلبه می‌یابند. پوشیده نیست که صندوق بین‌المللی پول، بازاری اقتصادی استعمار آمریکا است و هیچ‌گاه وامی پرداخت نمی‌کند مگر در چارچوب برنامه اقتصادی مبتنی بر «سیاست‌های بازار» که در عمل به معنای:

«خصوصی‌سازی آنچه از بخش دولتی باقی‌مانده و فروش دارایی‌های کشور؛ حذف یارانه از کالاها و خدمات اساسی؛ آزادسازی نرخ ارز؛ کاهش استخدام دولتی؛

بازرسی‌های گسترده و فریب رسانه‌ای، امت اسلامی همچنان زنده است. با یداری فکری رو به رشد و درک هرچه بیشتر از توطئه‌های بین‌المللی، مردم بیشتر می‌فهمند که نظام‌های حاکم چینی

جز ابزار غرب نیستند و راهی از این نظام‌ها جز به‌برپایی حکومت اسلامی در سایه خلافت راشده میسر نیست.

حزب‌الانحیر که از دهه‌ها پیش برای تحقق این هدف فعالیت می‌کند، طرح کامل خلافت را در اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیش روی امت قرار داده است و دروغ‌های راه‌ل‌های غربی را برها می‌کند و مردم را از نظر فکری و سیاسی بسج می‌کند تا برای برپایی دولت اسلام، پایان دادن به وابستگی و راهی‌ای امت از سیطره کافر استعمارگر نتاش کنند.

ای مردم کتانه، هم امت و هم ارتش؛ اسارت اقتصادی و سیاسی مصر از طریق وام‌های ربوی از اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول، خیانت به الله سبحانه و تعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و مومنان است و کوتاهی در حفظ حاکمیت و عزت امت و فروش امکانات و ثروت‌های آن به بی‌ای ناپسند است. شما در برابر الله سبحانه و تعالی مسئول هستید این امت تباهی را متوقف کنید، این استعمار پوشیده را پایان دهید و کشور را از بندگی وابستگی و تباودی نجات بخشید. شما نیرو دارید می‌توانید دین الله سبحانه و تعالی را پاری کنید، با سرنگونی این نظام خائن و تعهد حکم اسلام از طریق یکبیت خلافت راشده بر منج نبوت. امتان اکثر الناس لا یلقون» «و الله سبحانه و تعالی فرمان خویش را غالب می‌کند؛ اما بیشترین مردم نمی‌دانند».

میان لجنه عید و اشک غزه، فریادی به‌سوی افسران و سربازان

دقت مطبوعاتی حزب‌الانحیر در ایالت پاکستان در بیانیه مطبوعاتی خود گفت: درحالی‌که مسلمانان عید قربان را جشن می‌گیرند و خود را برای شادمانی به فرزندان و همسران آماده می‌سازند، این پیام را به سربازان و افسران مخلص در ارتش حسه‌ای پاکستان و دیگر ارتش‌های امت می‌رسانیم. ما به آنان یادآوری می‌کنیم که این روزها مردمان از زنان و کودکان و سالم‌ورگان و مردان در سرزمین مقدس فلسطین را تنها گذاشته‌اند. درحالی‌که توان یاری‌شان را نداشته‌اند. تردید افسران و سربازان در ارتش‌های مسلمان عاقبتی وقیم دارد. چراکه آن‌ها صاحب نیروی نظامی‌اند و از آن‌ها انتقاد می‌رود از مسلمانان مستضعف دفاع کنند و تاوس امت را پاس دارند. نه این‌که ما حاکم عادی کنار بنشینیم. با کوتاهی‌شان، معنای مردانگی و غیرت از میان می‌رود. حتی عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه کسی را که بدون عذر از جهاد کناره می‌گرفتند رسوا می‌کرد و می‌فرمود: «شهادت (کوهی شهادتین) کسی که بدون عذر از جهاد بپرهیزد پذیرفته نمی‌شود».

ما نمی‌گوییم پیش از آن‌که دیر شود به خود بپایید؛ بلکه باید گفت که واقعاً دیر شده است! اما بی‌شک این‌ها به کوتاهی کرده‌اید زیرا که در این میان ترک کرده‌اید و سستی ورزیده‌اید. به‌بشایب است سبک‌سوار و چه سنگین‌سوار فرخیزند در کنار برادران خود که برای برپایی دولت اسلامی در حزب‌الانحیر تلاش می‌کنند و یاری‌شان کنید؛ دولتی که به آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده حکم می‌کند و لشکرها را برای آزادسازی سرزمین‌های مسلمان و حمایت از مستضعفان در فلسطین و کشمیر و برمه و دیگر نقاط به میدان می‌آورد. درمی‌کند از حکومت‌های خائن و ترسو مأیوس شده‌اند و تنها به شما وفاداران دل بسته‌اند. این روزها، روز آزمون و امتحان هر فردی است که در راهی ایمان در دارد تا آنچه شایسته اوست برگزیند؛ و دولت بازگشت و سرانجام نیک از آن متقین است و بدایت که سرانجام از آن متقین است.



